

سیاست های خارجی جمهوری اسلامی و (وضعیت فوق العاده)

بن بست های رژیم جمهوری اسلامی را پایانی نیست. آنها ۲۳ سال است که در هیبت تضادها و بحران های فراوان ظاهر می شوند و سراسر عمر رژیم را پوشانده اند. این بن بست ها از سویی از ساختار سرمایه داری عقب مانده رژیم جمهوری اسلامی و از سوی دیگر از ساختار سیاسی آن که یک حکومت دینی و محصور در دگم های این نوع نظام است سرچشمه می گیرند. زمانی بود که خمینی با دخالت مستمر خود از بار این تضادها می کاست و حتا پذیرفتن انشعاب در دستگاه روحانیت نیز با این دید از سوی وی پذیرفته شد.

اما مرگ خمینی و دو شقه شدن بیشتر رژیم جمهوری اسلامی از سویی و گسترش مبارزات توده های مردم از سویی دیگر، که این روزها با اعتصابات و تظاهرات پی در پی نه فقط کارگران بل معلمان و پرستاران و دیگر اقشار زحمتکش ایران در جریان است، تضادهای درونی نظام جمهوری اسلامی را وسیع تر نموده و هر روز به نقطه انفجار که بازگشتی از آن برای رژیم متصور نیست نزدیک تر کرده اند.

یکی از این تضادهای اساسی و بدون مفر برای رژیم جمهوری اسلامی سیاست های خارجی آن است. از آن جایی که توسعه طلبی رژیم تاکنون با شکست مواجه شده است و از آنجایی که مبارزات توده ای در ایران می رود تا طومار رژیم را درهم پیچد، جبهه موسوم به اصلاح طلب که اکنون دو قوه مقننه و مجریه را بدون غلبه بر جناح ارتجاعی تر در دست گرفته با سیاست های تنش زدائی دولت خاتمی پایه میدان گذاشته است. اصلاح طلبان دوم خردادی که ناقوس مرگ رژیم را شنیده اند تمام سعی و کوشش خود را می کنند تا به تاراج دادن ثروت های ملی که از دسترنج کارگران و زحمتکشان ایران به دست می آید متحذان و همراهانی در صحنه سیاسی جهان برای خود دست و پا کنند. از روزی که جرج بوش دوم جمهوری اسلامی را به همراه عراق و کره شمالی بر "محورش" ترسیم نمود، این کوشش ها و تلاش های دولت خاتمی دو چندان شده اند. دولت خاتمی سعی دارد تا با نزدیک شدن به دو قطب امپریالیستی ژاپن و اتحادیه اروپا، رژیم را از تعرض قطب دیگر امپریالیستی، یعنی آمریکا، که

صفحه ۲

((یادها))

صفحه ۸

لایحه بودجه تصویب شد

هر دو جناح اما نگران عواقب و اجرای آن هستند

نیزظاهرا ۵۰ هزارمیلیاردریال بودجه عمرانی - ست و بقیه آن رقمی متجاوز از ۲۰۰ هزار میلیارد ریال است که به هزینه های دستگاه بوروکراتیک - نظامی دولتی اختصاص یافته است و این نیز از رشدی معادل همان ۵۰ در صد برخوردار است. اما در حالی که اوضاع اقتصادی به روال سابق وخیم است و شرایط مادی و معیشتی توده کارگر وخیم تر از گذشته، این افزایش بودجه چگونه انجام گرفت؟

صفحه ۴

نمایندگان مجلس ارتجاع اسلامی پس از چند روزسخنرانیهای موافق ومخالف، لایحه بودجه ۱۳۸۱ را با اندکی جرح و تعدیل و افزایش ۴/۶ درصد به رقم کل بودجه، تصویب کردند. بنابراین رقم کل بودجه به ۶۹۳/۵ هزار میلیارد افزایش یافت که درمقایسه با بودجه سال جاری حدودا ۵۰ درصد بیشتر است. از این مبلغ ۴۳۵ هزار میلیارد ریال، بودجه شرکت ها و بانک های دولتی ست و بقیه آن بودجه عمومی دولت است. از بودجه عمومی

نابود باد ستم وتبعیض علیه زنان

صفحه ۳

سیاست های تئولیرالیستی و راه حل معضلات اقتصادی

وقتی که گرد و غبار "توسعه سیاسی" کاملا فرو نشست، جناح خاتمی که هیچگاه برنامه اقتصادی مستقلی ارائه نداده بود و اصولا هیچ برنامه ای مستقل از برنامه های قبلی نداشت، مواضع کارگزاران سازندگی را در بست پذیرفت. شاه بیت "برنامه سوم توسعه اقتصادی" که دولت خاتمی از دو سال پیش مشغول اجرای آن است، واگذاری صنایع و مراکز تولیدی به بخش خصوصی و باز گذاشتن کامل دست سرمایه داران داخلی و خارجی در غارت و استثمار کارگران و مزد بگیرن است. اقدامات رژیم در این زمینه، اگر چه ادامه همان سیاست های اقتصادی دوران رفسنجانی است، اما از نظر گستردگی ابعاد و سرعت اجرا، با آن قابل مقایسه نیست. فراموش نکنیم که در همین دوره ی دولت و مجلس "اصلاحات" است که سواي ایجاد تسهیلات عدیده مختلف برای سرمایه داران داخلی و خارجی، از جمله تسهیلات و کمک های مالی، طرح ها و لوایحی چون لایحه

صفحه ۳

شعار "توسعه سیاسی" که خاتمی با آن روی کار آمد و بر متن نارضایتی عمیق توده ای از فشارهای اقتصادی و سیاسی موجود، جای مهمی را در فضای سیاسی جامعه به خود اختصاص داد، تقریباً به فراموشی سپرده شده است. هر چند جناح خاتمی از این شعار به مثابه ابزاری برای کسب امتیاز بیشتر استفاده نمود، اما در ایجاد توهم و بهره برداری از آن به منظور مهار و انحراف مبارزات روبه گسترش توده های مردم، حمایت کل طبقه بورژوازی را به همراه داشت. با اینهمه طولی نکشید که تاریخ مصرف این شعار به سر آمد. طبقه بورژوازی بیش از آنکه نیازمند "توسعه سیاسی" باشد، در اندیشه "توسعه اقتصادی" و درصد آن بود که هر چه زودتر سیاست های اقتصادی گذشته را که در اجرای آن وقفه افتاده بود، ادامه دهد. سیاست هایی که اساسا بر اصول صندوق بین المللی پول و بانک جهانی در انطباق بود و در قالب برنامه های اقتصادی اول و دوم در دوران ریاست جمهوری رفسنجانی به اجرا در آمده بود.

در این شماره

ریشه های بحران اقتصادی و سیاسی سرمایه داری آرژانتین (۳)

۵

خلاصه ای از اطلاعات و بیانیه های سازمان

۶

اخباری از ایران

۲

سیاست های خارجی جمهوری اسلامی و «وضعیت فوق العاده»

اکنون خود را پرچمدار مبارزه ضد تروریستی در جهان معرفی می کند، ضمانت و بیمه کند. البته این کوشش و تلاش ها تا کنون با دو عقب نشینی بزرگ رژیم جمهوری اسلامی در مقابل هیئت حاکمه آمریکا همراه بوده که دستگیری ناگهانی ۱۵۰ عضو القاعده در مرزهای شرق کشور و اخراج گلبدین حکمتیار، رهبر حزب اسلامی افغانستان از ایران دو نمونه مهم آن است. نمی توان گفت که دولت خاتمی درسیاستهای تنش زدائی خود موفق شده است. زیرا هم این دولت و هم مجموعه اصلاح طلبان دوم خردادی در حرف و عمل به ولایت فقیه التزام دارند. جبهه مشارکت اسلامی که عمده ترین تشکل دوم خردادی هاست درمراهم نامه خود خواهان اصلاحاتی است که با آنها از «فرسایش انگیزه های مشارکت جویانه مردم» با «ارائه روز آمد دین و گسترش پایگاه مشروعیت ولایت فقیه به عنوان رکن رکن قانون اساسی» مقابله شود. در همین گیرودار تنش زدائی خاتمی، کمال خرازی که عهده دار وزارت امور خارجه است در مصاحبه ای که روز ۲۹ بهمن گذشته با خبرنگاران کرد، اعلام نمود که «موضع رسمی نظام از سوی رهبری، رئیس جمهوری و وزارت خارجه ابراز می شود. خرازی این اظهارات را درحالی بیان می کرد که چند روزی از تهدیدات یکی از کارگزاران مستقیم خامنه ای یعنی ذوالقدر گذشته بود. این جانشین فرمانده سپاه پاسداران گفته بود که در صورت حمله آمریکا به ایران تمام چاههای نفت خلیج فارس به آتش کشیده می شوند. از سوی دیگر یکی از تشکلات وابسته به جناح غالب رژیم که انصار حزب الله نام دارد با گشودن لیستی خواهان «عملیات انتحاری» شده است. پس روشن است که درسیاست - های خارج رژیم جمهوری اسلامی هم جناح «موتلفه اسلامی - رسالت» نقش خود را ایفا می کند و در این عرصه هم جناح رقیب را درمکنه قرار داده است. از سویی «رهبر معظم» در دیدارهایش با خاتمی و دیگر کارگزاران سیاست های خارجی رژیم اجازه می دهد که برای دفع خطر چند ده نفر از اعضای شبکه القاعده دستگیر شوند یا رهبر یک حزب ارتجاعی افغانستان از ایران اخراج شود و از سویی دیگر با به جلو فرستادن عمال مستقیم خود مانند فرماندهان سپاه پاسداران و انصار حزب الله سیاست مستقل خود را به پیش می برد. درست به همین دلایل است که جناح ارتجاعی تر رژیم در چند روز گذشته از موضوعی به نام اعلام «وضعیت فوق العاده» سخن سر داده است. در واقع این جناح می خواهد که از سیاست های خارجی رژیم در جهت منافع داخلی خود نیز بهره برداری کند. این جناح معتقد است که با توجه به تهدیدات آمریکا باید وضعیت فوق العاده یا جنگی اعلام شود تا بتواند با دست بازتر و «قانونی» تری تنمته نشریات و تریبون - های اصلاح طلبان دوم خردادی را هم تعطیل کند و با توجه با دردست داشتن صدا و سیمای رژیم، یک تازمیدان رسانه ای هم بگردد. دوم

اخباری از ایران

* تحصن ۱۳۰۰ کارگر کارخانه بارش مقابل بنیاد مستضعفان اصفهان

کارگران تمام شیفت های کاری کارخانه بارش اصفهان روز دوشنبه ششم اسفند ماه مقابل ساختمان بنیاد مستضعفان اصفهان دست به تحصن زده اند. کارگران ۸ ماه است که دستمزد دریافت نکرده اند و اعلام کرده اند تا زمانی که به خواسته هایشان رسیدگی نشود، حقوق ۸ ماه گذشته شان و عیدی و مزایای عید سال گذشته به آنها پرداخت نشود، دست از تحصن نخواهند کشید. آنها تهدید کرده اند چنانچه تا روز دوشنبه ۱۱ اسفند مسئولان به خواست - های کارگران پاسخ ندهند، خانواده هایشان هم به آنها می پیوندند. یکی از کارگران در این رابطه گفت: «شاید مسئولان زبان زن و فرزند ما را بهتر بفهمند.»

کارخانه بارش ماههای متمادی است که بارکود روبروست. از دو ماه پیش بنیاد مستضعفان مسئولیت این کارخانه را برعهده گرفته، تحت فشار کارگران دستمزد ۴۵ روز آنها را پرداخت کرده اما از پرداخت مابقی حقوق و مطالبات کارگران سرباز می زند.

* تجمع اعتراضی کارگران ریسندگی

صدها تن از کارگران شاغل در بخش ریسندگی صنایع پوشش ایران واقع در رشت، در برابر ساختمان اداری این واحد دست به تجمع اعتراضی زدند و مخالفت خویش را با اجرای طرح «تغییر ساختار» این واحد و اخراج کارگران اعلام نمودند. شایان ذکر است که به دنبال اجرای این طرح در کارخانه الکترونیک ایران، کاشی گیلان، نساجی شمال و برخی دیگر از واحدهای تولیدی در استان گیلان، صدها کارگر به حالت بلاتکلیفی در آمده و کارفرمایان زمینه اخراج آنها را فراهم می کنند. در عین حال طی یک ماه اخیر بیش از ۳۰۰ تن از کارگران صنایع پوشش ایران اجبارا باز خرید شده اند. ۱۸۰۰ کارگر این شرکت، نسبت به این اخراج ها و نسبت به اجرای طرح تغییر ساختار که معنای آن بلاتکلیفی و اخراج کارگران است، شدیداً اعتراض دارند.

* تجمع اعتراضی کارگران قطعات فولادی

کارگران قطعات فولادی کرج، روز سه شنبه هفتم اسفند ماه دست به تجمع اعتراضی زدند و بامسدود ساختن جاده تهران - کرج، خواستار پرداخت ۹ ماه حقوق و مزایای عقب افتاده خود شدند.

خردادیها به این سیاست جناح غالب معترضند. البته نه به این خاطر که آنان آزادی خواه و دمکرات هستند یا شده اند، چه لاقلا در این پنج سال گذشته بر ناآگاه ترین بخش های جامعه هم آشکار گشته است که دوم خردادیها آزادی را برای خود یادرنهایت مابقی گرایش - های اسلامی و ملی - مذهبی می خواهند و نه برای همه. درحالی که اگر منظور از «وضعیت فوق العاده» یک جو پلیسی و سرکوب گری است، این وضعیت بیش از بیست سال است که عملاً در ایران وجود دارد. تازه همین دوم خردادیها در تجربیات چند سال گذشته نشان داده اند که آنان هم وقتی دانشجویان در ۱۸ تیر با شعارهای مستقل خود به خیابانها می آیند یا همین چند هفته پیش معلمان از پذیرفتن نمایندگان آنان سرباز می زنند، هیچ مشکلی با برقراری فوری «وضعیت فوق العاده» ندارند و همدست و متحد با جناح دیگر دانشجویان را در دانشگاه و معلمان را در پیرامون کاخ «پرچم دار اصلاحات» شان به شدت سرکوب می کنند.

هرچند که دوم خردادیها تاکنون سعی کرده اند، اعتراض خود را به اعلام «وضعیت فوق العاده» با به میدان فرستادن حجابیان و علوی تبار و دیگر شخصیت های ریز و درشت جناح خود ابراز دارند، اما به نظر می رسد که جناح رقیب در این زمینه هم آنان را به عقب رانده است. زیرا هاشمی شاهرودی، رئیس قوه قضائیه، با اشاره به «اظهار نظرهای متفاوت گروه های سیاسی در مورد اظهارات جرج بوش» و «بایادآوری این که «تعیین سیاست های اصلی نظام برعهده مقام معظم رهبری» است اعلام نموده است که شورای امنیت ملی به ریاست خاتمی «برنامه مناسبی» را تصویب کرده که به زودی ابلاغ می شود.

تا آنجائی که به توده های مردم و به ویژه کارگران، معلمان، دانشجویان و تمام زحمت - کشان ایران مربوط می شود با یا بدون «وضعیت فوق العاده»، گسترش مبارزات و ارتقای آنها به مراحل عالی تر در دستور است. رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی خود یک «وضعیت فوق العاده» است و بدون به زیر کشیدن آن، این وضعیت اسفبار پایان پذیر نیست. بگذار رژیم جمهوری اسلامی هزاربار «وضعیت فوق العاده» اعلام کند، مردم ایران با مبارزه قاطع خود و با سرنگونی رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی این وضعیت را هم بخواهند چید.

کمک های مالی رسیده

کانادا	
مونترال	حمید رضا نصیری ۵۰ دلار کانادا
اتاوا	توکلی ۵۰ دلار کانادا
اتاوا	بهمن ماه ۵۰ دلار کانادا



نابود باد ستم و تبعیض علیه زنان

از صفحه ۱ سیاست های نئولیبرالیستی و راه حل معضلات اقتصادی

اصلاح قانون مالیات‌ها، طرح مربوط به جذب سرمایه‌های خارجی به نفع سرمایه داران در مجلس به تصویب می‌رسد و قانون بازسازی و نوسازی صنایع، زمینه اخراج صدها هزار کارگر را فراهم می‌سازد. و باز فراموش نکنیم که در همین دوره است که لایحه خروج کارگاه‌های با کمتر از ۵ کارگر از شمول قانون کار به تصویب می‌رسد و انعقاد قرار دادهای موقت کار نیز قانونی شده و بر شدت فشارهای اقتصادی و معیشتی کارگران از همه سو اضافه می‌شود.

در همین راستاست که امروز دامنه خصوصی سازیها و گذاری صنایع و شرکت‌های دولتی، به سرمایه داران بخش خصوصی داخلی و شرکای خارجی آنها، در ابعاد حیرت آوری گسترش یافته است و دولت بی‌هیچ پرده پوشی، ثروت - های اجتماعی را به حراج گذاشته است. اخیراً دولت خاتمی برنامه زمان بندی و روش فروش ۱۸۹ شرکت دولتی را در اختیار سازمان خصوصی سازی قرار داد. از این تعداد، ۴۰ شرکت تا آخر سال جاری و ۱۴۹ تالی آن در سال ۸۱ به بخش خصوصی واگذار می‌شود. بیسکویت گرجی، لاستیک دیانا، کابل باختر، نورد، تولید قطعات فولادی، از جمله شرکت‌هایی هستند که قرار است تا پایان سال جاری به بخش خصوصی واگذار شوند. مطابق گزارش خبرنگار "ایران" در شش ماهه اول سال جدید (۸۱)، از ۲ تا ۹۹ درصد سهام ۵۰ شرکت به روش بورس به بخش خصوصی واگذار می‌شود. آردل، افسر، ایران خودرو، دیزل، بوتان، محصولات پارس، پارس الکتریک، چیت‌سازی بهشهر، سیمان تهران، صنعتی دنا، کیمیدارو، گروه بهمن، موتورز و نورد آلومینیوم از جمله این شرکت‌ها هستند. هیئت عالی واگذاری سهام، همچنین واگذاری ۱۴ شرکت وابسته به صنعت نفت را تصویب نموده که پس از تأیید هیئت دولت، از اول سال ۸۱ ظرف شش ماه به بخش غیر دولتی واگذار خواهند شد. بر اساس این تصمیم ۱۰۰ درصد سهام پتروشیمی تبریز، پتروشیمی بندر امام، پتروشیمی خراسان، پتروشیمی رازی و پتروشیمی شیراز و نیز ۴۰/۶ درصد سهام پتروشیمی اراک، ۴۹/۷ درصد سهام پتروشیمی اصفهان و ۳۳/۳۳ درصد سهام پتروشیمی خارک از طریق بورس به بخش خصوصی واگذار خواهد شد. همچنین ۱۰۰ درصد سهام شرکت عملیات غیر صنعتی و خدمات پتروشیمی، حمل و نقل و ترخیص کالا، سازمان خدمات هلی‌کوپتری، شرکت حمل و نقل جاده‌ای داخلی، پتروشیمی، شرکت مهندسی و ساختمان نفت ایران و شرکت بازرسان فنی ایران به صورت مزایده در اختیار بخش خصوصی قرار خواهد گرفت. شایان ذکر است که این حجم عظیم واگذاری ثروت‌های اجتماعی، مربوط به فقط شش ماهه اول سال ۸۱ است و این روند

۸ مارس، نماد طغیان و اعتراض میلیون‌ها انسان به نابرابری و تبعیضی است که در سراسر جهان نسبت به زنان اعمال می‌شود.

۸ مارس، نماد بیداری و مبارزه انسانی است که برای کسب حقوق از دست رفته خود به پا خاسته‌اند. حدود یک قرن پیش، هنگامی که پیشروترین زنان سوسیالیست جهان، در حمایت و پشتیبانی از مطالبات و مبارزات زنان کارگر و سوسیالیست آمریکا، ۸ مارس را روز جهانی زن اعلام نمودند و مبارزه همه جانبه‌ای را علیه تبعیض، نابرابری و ستم سازمان دادند، زنان در سراسر جهان از هیچ حق و حقوقی برخوردار نبودند. در نتیجه همین مبارزه است که امروز در بخش قابل ملاحظه‌ای از جهان، لاقابل برابری حقوقی زن و مرد به رسمیت شناخته شده است. هرچند که این هنوز به معنای حصول به یک برابری سیاسی و اجتماعی واقعی نیست و تا رسیدن به آن راه درازی در پیش است، اما در مقایسه با قرن‌ها بی‌حقوقی تام و تمام زنان، دست‌آوردی بزرگ است. باین همه هنوز هستند کشورهای که در آنها، زنان از همین برابری حقوقی نیز برخوردار نیستند. بالعکس حتی در قوانین رسمی این کشورها رسماً و علناً از تبعیض و نابرابری دفاع شده است. نمونه این کشورها را می‌توان در خاور میانه سراغ گرفت و ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، یکی از رسواترین آنهاست. در اینجا زنان با بیرحمانه‌ترین تبعیض، ستم و سرکوب روبرو هستند. طبقه سرمایه دار حاکم و رژیم سیاسی پاسدار منافع آن، مدافعین آشکار این تبعیض، ستم و نابرابری هستند و در قوانین خود رسماً بر آن تأکید کرده‌اند. بر طبق قوانین و مقررات حکومت اسلامی، زن به موقعیت یک شهروند درجه دو تنزل یافته که اعتبار حقوقی اش نصف مرد است و از همین رو از پاره‌ای حقوق اجتماعی و سیاسی نیز به کلی محروم شده است. لذا زنان در تمام عرصه‌ها با تبعیض و نابرابری عریان روبرو هستند. با تقویت مناسبات ارتجاعی مرد سالاری در درون حکومت اسلامی، تبعیض، نابرابری، فشار و سرکوب زنان در محیط خانواده نیز ابعاد وحشی‌تری به خود گرفته است. زنان ایران از جمیع جهات با تبعیض، نابرابری و ستمی وحشیانه روبرو هستند. اما در برابر این تبعیض و نابرابری، مبارزه‌ای نیز در جریان بوده است. مبارزه برای برابری اجتماعی و سیاسی زن و مرد که از یک قرن پیش، از دوران ماقبل انقلاب مشروطیت در ایران آغاز گردید، اکنون ابعاد توده‌ای به خود گرفته است. دیگر، این مبارزه محدود به مبارزه پیشروترین زنان و مردان برای نفی تبعیض جنسی و برابری اجتماعی و سیاسی نیست. میلیون‌ها زن در سراسر ایران برای کسب حقوق از دست رفته خود به مبارزه برخاسته‌اند. نقشی که زنان در مبارزات جاری و جنبش‌های اجتماعی موجود در ایران برعهده گرفته‌اند، یک وجه آن طغیان و اعتراض به تبعیض و ستم جنسی است. اگر امروز حتی زنان مرتجع وابسته به طبقه حاکم و رژیم جمهوری اسلامی هم از تبعیض و ستم نسبت به زنان سخن می‌گویند، بازتاب فشار و مبارزه توده‌ای زنان زحمتکش و تحت ستم است، والا همه می‌دانند که زنان وابسته به رژیم، خود در زمره کسانی بوده‌اند که در تشدید تبعیض، نابرابری و ستم نقش ارتجاعی خود را ایفا کرده‌اند. زنان تحت ستم ایران اکنون در ابعادی توده‌ای پی برده‌اند که با وجود رژیم جمهوری اسلامی نمی‌توانند به خواست‌ها و مطالبات خود برسند. این جنبش دیگر جزء لایتجزائی از جنبش‌های اجتماعی موجود برای سرنگونی جمهوری اسلامی است.

سازمان فدائیان (اقلیت) که همواره علیه تبعیض نسبت به زنان مبارزه کرده و از حقوق و مطالبات برحق آنها دفاع نموده است، مدافع برابری کامل اجتماعی و سیاسی زن و مرد و نفی هرگونه ستم نسبت به زنان است. این نفی هرگونه ستم طبقاتی و جنسی و تحقق برابری کامل و همه جانبه، تنها با سرنگونی نظام سرمایه داری و برقراری سوسیالیسم میسر خواهد بود. معهداً آنچه که به فوریت عملی است و ما خواهان اجرای فوری آن هستیم، این است که:

- برابری حقوق سیاسی و اجتماعی زن و مرد قانوناً به رسمیت شناخته شود.
- زنان با برابری کامل به تمام مشاغل و مناصب در همه سطوح دسترسی داشته باشند.
- زنان از دستمزد و مزایای کامل برابر با مردان در ازای کار مساوی، برخوردار باشند.
- تمام قوانین و مقررات ارتجاعی و تبعیض آمیز نسبت به زنان به فوریت ملغاً گردند.
- هرگونه فشار، تحقیر، اجبار و خشونت علیه زنان رسماً ممنوع شود و مجازات شدیدی در مورد نقض این ممنوعیت‌ها، اعمال گردد.

سازمان فدائیان (اقلیت) که هدف فوری خود را سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری حکومت شورائی در ایران قرار داده است، خواهان اجرای فوری مطالبات زنان است.

سازمان فدائیان (اقلیت) ۸ مارس، روز جهانی زن را به زنان کارگر و زحمتکش و همه انسانی که از برابری اجتماعی و سیاسی زن و مرد دفاع می‌کنند و برای برانداختن ستم و تبعیض نسبت به زنان تلاش و مبارزه می‌کنند، تبریک می‌گوید.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورائی

نابود باد ستم و تبعیض علیه زنان

سازمان فدائیان (اقلیت) - اسفند ماه ۱۳۸۰

کار- نان - آزادی - حکومت شورائی

لایحه بودجه تصویب شد هر دو جناح اما نگران عواقب و اجرای آن هستند

از کدام منابع تامین خواهد شد و صرف چه کاری می‌گردد.

در وهله نخست کمافی السابق منبع اصلی جبران هزینه های دولت، نفت و استعمار کارگران است. از هزینه های دستگاه دولتی مجموعاً معادل ۱۷/۴ میلیارد دلار از طریق نفت تامین می‌شود که ۱۲/۸ میلیارد دلار از فروش نفت در سال آینده تامین می‌گردد و ۴/۶ میلیارد دلار از حساب ذخیره برداشت می‌شود.

منبع دیگر درآمد دولت برای جبران هزینه‌ها مالیات است که رقمی حدود ۶۵ هزارمیلیارد ریال برآورد شده‌است که درمقایسه با عملکرد سال جاری، رشدی بیش از ۶۰ درصد دارد. با توجه به این که دولت و مجلس در سال جاری با تصویب قوانین و مقررات جدید، تسهیلات قابل ملاحظه‌ای برای سرمایه‌داران قائل شدند و به بهانه های مختلف آنها را از پرداخت مالیات معاف کرده‌اند، بار اصلی مالیات که عمدتاً غیر مستقیم خواهد بود، بردوش کارگران و زحمتکشان قرار دارد. ازهم‌اکنون در بودجه مصوب، بهای برخی کالاها و خدمات حتی تا ۳۰ درصد افزایش یافته‌است. از آن جمله بهای برق مصرفی خانگی ۲۵ درصد، فرآورده های نفتی ۱۰ تا ۳۰ درصد، نوشابه های گاز دار ۳۰ درصد، تلفن همراه ۲۲/۵ درصد و ... افزایش یافته‌است.

بخش دیگر منابع دولت معادل ۲۰ هزارمیلیارد ریال، به حساب سایر درآمدها منظور شده‌است که عمدتاً از عوارض و سرکبسه کردن مردم توسط موسسات مختلف دولتی تامین می‌گردد. فروش کارخانه و موسسات مختلفی که حاصل دسترنج کارگران ایران اند، منبع دیگری برای تامین هزینه‌های دولت است. رقم آن در بودجه سال ۸۱، ۶ هزارمیلیارد ریال برآورد شده‌است. اما این همه هنوز برای جبران هزینه های دستگاه انگل دولتی کافی نیست. استقرار داخلی و خارجی نیز باری دیگر بردوش کارگران و زحمتکشان ایران است. استقرار دولت از بانکها که حساب و کتابی ندارد و بنا به ضرب المثل معروف، ریش و قیچی دست خودشان است. فروش اوراق قرضه راه دیگری برای تامین هزینه هاست. رقم آن اعلام نشده، اما فروش این اوراق در بودجه پیش بینی شده‌است. در اینجا دولت از جیب مردم خرج می‌کند و در عین حال آنها را بدهکار می‌سازد. مطابق ۴ بند از تبصره ۲۱، جمعاً حدود ۷ میلیارد دلار نیز از خارج قرض می‌شود که بازپرداخت اصل و بهره آن نیز بر دوش کارگران ایران قرار دارد. در عین حال، دولت با معمول کردن سیستم تک نرخی ارز معادل هر دلار ۷۷۰۰ ریال، هم درآمد خود را افزایش داده‌است و هم با کاهش ارزش ریال هزینه آنرا به حساب توده های زحمت کش مردم گذاشته‌است.

اگر تمام این ارقام را به حساب آوریم و استقرار هم کسری بودجه را جبران کند، باز هم باید مبالغ هنگفت دیگری، توده زحمتکش مردم بپردازند. یک نمونه آن کسری بودجه پنهان است که ارزیابی می‌شود رقمی در حدود ۴۰ هزار میلیارد ریال باشد.

این همه پول در کجا هزینه می‌شود؟ ارقام بودجه عمومی دولت نشان می‌دهد که ۷۵ درصد آن رسماً صرف هزینه‌های نیروهای مسلح سرکوب و دستگاه بوروکراتیک دولتی می‌شود. توده کارگر و زحمتکش در ایران زیر خط فقر زندگی می‌کنند. بیکاری به رقمی در حدود ۷ تا ۸ میلیون رسیده‌است. اما متجاوز از ۲۰۰ هزارمیلیارد ریال از حاصل کار و زحمت و دسترنج توده زحمتکش صرف هزینه های دستگاه انگل دولتی می‌شود. ادعا می‌شود که از مجموع بودجه عمومی، ۵۰ هزار میلیارد ریال آن عمرانی است. این که چقدر و تا چه حد پروژه‌های عمرانی در خدمت توده محروماند، بماند. اما همین ارقامی که اعلام می‌شود و نیز اغلب در این عرصه هزینه نمی‌شوند و مدام به صورت پروژه های ناتمام از آنها یاد می‌شود. لذا نه در خدمت نیازهای عمومی مردم قرار می‌گیرند و نه کار و اشتغال ایجاد می‌کنند. در جریان مباحثات اخیر نمایندگان مجلس ارتجاع، یکی از آنها گفت که معمولاً دولت کسری بودجه را به بودجه عمرانی تحمیل می‌کند و افزود کسری بودجه ۳۰ الی ۴۰ هزار میلیارد ریالی پنهان، به بودجه ۵۰ هزار میلیارد ریالی عمرانی، بودجه سال ۸۱ تحمیل خواهد شد. در زمینه بهداشت و آموزش و نیز رقمی که دولت در بودجه سال آینده منظور کرده‌است، همانند سال های گذشته ناچیز است. در حالی که هزینه های دستگاه نظامی و سرکوب بیش از ۵۰ درصد رشد کرده‌است، بودجه بهداشت و آموزش و پرورش، رشدی کمتر از ۲۰ درصد را نشان می‌دهند که حتی جبران کاهش ارزش ریال و نرخ بالای تورم را هم در سال آینده نمی‌کنند. این در حالی است که وضعیت بهداشت اسفناک است. معلمان زیر خط فقر زندگی می‌کنند. مدارس، امکانات آموزشی لازم را ندارند. در روستاهای ایران، دانش آموزان اغلب مدرسه شان کپرهاست. در شهرها، ساختمان‌های فرسوده مدارس بر سر دانش آموزان خراب می‌شود و غیره. علاوه بر این دولت در ادامه برنامه خصوصی سازی خود قصد دارد، ساختمان های مدارس را نیز به فروش برساند. لذا پرداخت اجاره ها نیز از همین بودجه ناچیز آموزش و پرورش تامین خواهد شد. دولت هر سال ادعا می‌کند که مبلغ قابل ملاحظه‌ای از ارقام بودجه، سوبسیدی است که دولت بابت کالاهای اساسی مورد نیاز مردم می‌پردازد. در بودجه امسال بخشی از این سوبسیدها نیز حذف شده‌است و سوازی این اگر بهای این کالاها در گذشته بر مبنای هر دلار ۱۷۵ تومان محاسبه می‌شد، اکنون بر مبنای هر دلار ۷۷۰ تومان محاسبه خواهد شد. لذا از هر آنچه که توده مردم ممکن بود نفعی در آن داشته باشند، از جمله همین پارانه‌ها، بهداشت، آموزش و پرورش، زده شده‌است. اما بر هزینه های دستگاه های سرکوب نظامی و بوروکراتیک افزوده شده‌است. در واقع همین دستگاه های انگل هستند که در سال ۱۳۸۱ معادل ۲۰۰ هزار میلیارد ریال از حاصل دسترنج کارگران ایران را می‌بلعند. این البته ارقام رسماً اعلام شده بودجه‌است. نیروهای مسلح رژیم و ارگانهای

جاسوسی آن، بودجه‌های مخفی نیز دارند که هیچگاه اعلام نمی‌شوند. خریدهای چند میلیارد دلاری تسلیحات دهرسال، نه تماماً از بودجه اختصاص یافته به این ارگان‌ها تامین می‌شوند و نه بر مبنای نرخ رسمی ارز. به رغم اعلام تک نرخی شدن ارزها، در سال ۱۳۸۱، دلار ۱۷۵ تومانی برای هزینه های این ارگانها حفظ شده‌است. تمام واقعیت های که به آن اشاره شد، از ماهیت طبقاتی و ارتجاعی بودجه در نظام سرمایه داری ناشی می‌شود. دولتی که نماینده طبقه سرمایه دار و پاسدار منافع آن است، به نام جامعه بخش دیگری از حاصل دسترنج کارگران را به عناوین مختلف از آنها می‌گیرد و صرف هزینه های دستگاه دولتی می‌کند که وظیفه اش حفظ نظام سرمایه داری و سلطه سیاسی و اقتصادی طبقه سرمایه دار است. اگر اینها بخشها هم در زمینه بهداشت و آموزش هزینه شود، صرفاً از زاویه منافع سرمایه و بازتولید نیروی کار است. هر چند که در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی دانما از هزینه های این بخش‌ها کاسته می‌شود و پیوسته بر هزینه های دستگاه های سرکوب و بوروکراتیک افزوده می‌گردد. طبیعتاً در مجلس ارتجاع اسلامی و سخنرانی های غرای مخالفین و موافقین بحثی در این مورد نبود و اصولاً نمی‌توانست در میان باشد. بحث آنها بیشتر بر سر کم و زیاد کردن ارقام بودجه و تاثیرات مالی و اقتصادی آن بود. مخالفین استدلال می‌کردند که تک نرخی شدن ارز و محاسبه ارقام بودجه بر آن مبنای تبعاتی خواهد داشت. رشد نقدینگی در سال آینده ۳۵ الی ۴۵ درصد است و نرخ تورم حدود ۳۵ تا ۴۶ درصد خواهد بود. آنها همچنین می‌گفتند که نحوه هزینه‌ها در بودجه سال آینده به گونه‌ای است که کمکی به کاهش نرخ بیکاری نخواهد کرد. موافقین لایحه بودجه هم انکار نمی‌کردند که سال آینده نرخ تورم افزایش خواهد یافت و شرایط مادی و معیشتی مردم وخیم تر. معهدا می‌گفتند که راه دیگری نیست. یکی از این موافقین می‌گفت: اگر چه قطعاً تعدادی از ایرادات مخالفین بودجه سال ۸۱ وارد خواهد بود و هیچ‌کس بر این ادعانیست که این سیاق بودجه نویسی و جزئیات آن عاری از زهر ایراد و انتقادی است، لیکن به نظر می‌رسد با ملاحظه اوضاع سیاسی-اجتماعی فعلی کشور و میزان قدرت مانور دولت و شرایط برون مرزی مملکت، شاید تنها راه، اعطای رای موافق به بودجه تقدیمی دولت باشد. دیگری می‌گفت: اگر ما اینجا به عنوان موافق بودجه صحبت می‌کنیم، نباید از نکات منفی آن غافل ماند. محمد رضا خاتمی، نایب رئیس مجلس هم حتی پس از تصویب بودجه از مشکلات و عواقب اجرای آن سخن به میان آورد و گفت: اجرای بودجه سال آینده بدون مشکل نخواهد بود و می‌طلبد که مسئولان با همت و همدلی خود این مشکلات را به حداقل برسانند. نگرانی او هم همانند جناح رقیب این است که بودجه سال ۱۳۸۱ بحران اقتصادی را وخیم تر کند، درآمدهای نفتی هم متحقق نشوند و بحران ملی گسترده ای پدید آید، تورم ابعاد غیر قابل کنترلی به خود بگیرد، میلیون ها تن دیگر به

ریشه های بحران اقتصادی و سیاسی سرمایه داری آرژانتین (۳)

ریشه های بحران سیاسی کنونی در آرژانتین

تنگنا تنگی روابط زیر بنائی و روبنای جامعه موجب شد که در بخش بررسی ریشه های اقتصادی بحران در آرژانتین نکاتی از ریشه های سیاسی آن نیز ذکر شود. آن چه نباید از نظر دور داشت این نکته است که دست کم در چهار دهه اخیر، هر بار که مبارزات توده ای در آرژانتین گسترده شدند، کودتائی در این کشور انجام شد. آخرین کودتا در سال ۱۹۷۶ به وقوع پیوست. می دانیم که بر طبق کم ترین برآوردهای سازمان های مختلف دفاع از زندانیان سیاسی و خانواده های مبارزان سیاسی، در طی دیکتاتوری نظامی شش ساله، از ۱۹۷۶ تا ۱۹۸۳، دست کم سی هزار نفر قربانی سرکوب های وحشیانه شدند.

باری، جنبشی که از ماه دسامبر ۲۰۰۱ در آرژانتین شروع شد بدون مقدمه و ناگهانی نبود. از سال ۱۹۹۷ تا اواسط دسامبر گذشته، ۱۸۴۸ مورد بستن جاده در آرژانتین به وقوع پیوست که بیشتر آنها را کارگران بیکار انجام دادند. در ضمن، در همین دوره چهار ساله، ۸ اعتصاب عمومی در آرژانتین رخ داد. اعتصابات وانسداد جاده ها با سرکوب دولت آرژانتین در چهار سال اخیر مواجه شد و هشت نفر در آن ها جان باختند، از جمله در اکتبر ۲۰۰۰، پلیس، کارگری را در سالتا (Salta) کشت.

از نظر سیاسی و لاقبل پس از پایان حکومت نظامیان در ۱۹۸۳، دو بخش از بورژوازی آرژانتین در این کشور به قدرت رسیدند. بخش اول، در درون حزب عدالتخواه متشکل است که حزبی است پرونیست، منسوب به خوان پرون که در ابتدای این نوشته با آن آشنا شدیم به رغم این که پرونیست ها در آغاز پیدایش، حامل نوعی پوپولیسم بورژوازی بودند، اما امروز در جناح راست بورژوازی قرار دارند. بخش دیگر بورژوازی، در حزب رادیکال مجتمع است که از رادیکالیسم سیاسی و اقتصادی جز نام چیزی ندارد. "رادیکال" ها در واقع مجموعه ای از دو ائتلاف هستند که بورژوازی چپ میانی را نمایندگی می کنند. ائتلاف رادیکال ها از "اتحاد مدنی رادیکال" (UCR) و "جبهه برای کشوری همبسته" (Frepaso) تشکیل شده است.

روز ۳۰ اکتبر ۱۹۸۳، آلفونسین رادیکال، رئیس جمهور آرژانتین پس از دیکتاتوری نظامی می شود تا در سال ۱۹۸۹ جای خود را به "منم" پرونیست دهد. این دومی تا سال ۱۹۹۹ رئیس جمهور باقی ماند تا به نوبه خود فرناندو د ده لا رو (Fernando de la Rúa) جایگزین او گردد. اگر آلفونسین رادیکال تمام مسئولان نظامی را آزاد می گذارد و فقط دو نظامی، یعنی ویدلا و ماسرا به حبس ابد محکوم می شوند، "منم" پرونیست این دو را نیز آزاد می کند و عملاً

حبس ابد آنان به ۵ سال زندان تقلیل می یابد. پنج سال زندان برای کشتار سی هزار نفر. اما این فقط سران دیکتاتوری نظامی نیستند که به عناوین گوناگون و با تصویب قوانین مختلف از زندان رها می شوند، "منم" از دیگر دست اندرکاران دیکتاتوری نظامی هم استفاده می کند، مثلاً دومینگو کاوایو (Domingo Cavallo) که مدتی رئیس بانک مرکزی آرژانتین در دوران دیکتاتوری نظامی بود، یک بار از ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۶ وزیر اقتصاد دولت پرونیست "منم" می شود و یکبار همین سمت را در سال ۲۰۰۱ در دولت رادیکال ده لا رو باز می یابد. کاوایو که یکی از مسئولان استقراض ها در دوران دیکتاتوری نظامی است، مسئولیت سنگینی در وابستگی کامل بزیویه دلار و خصوصی سازیهای گسترده در آرژانتین دارد.

کاوایو تنها کسی نیست که در دیکتاتوری نظامی و نیز دولتهای پرونیست و رادیکال نقش داشته است. شخص دیگری به نام والتر کلاین (Walter Klein) نیز از ۱۹۷۶ تا ۱۹۸۱ دبیر دولت در هماهنگی برنامه ریزی اقتصادی بود. او در همان زمان دفتری در پایتخت آرژانتین داشت که از منافع شرکتهای خارجی دفاع می کرد. مثلاً وقتی او وارد دولت نظامی شد، دفترش به دفاع از منافع یک بانک به نام (Scandinavian Enskilda) ادامه داد. جالب این که همین شخص پنج روز پس از آغاز جنگ بین آرژانتین و انگلستان بر سر جزایر فالکلند که در ۷ آوریل ۱۹۸۲ شروع شد، حافظ منافع یک بانک انگلیسی به نام (Barclays) می شود.

والتر کلاین پس از به قدرت رسیدن آلفونسین رادیکال در ۱۹۸۳، کماکان بدون هیچ گونه نگرانی به کار اصلی خود، یعنی حفاظت از منافع کمپانی های خارجی در بونوس آیرس ادامه داد. اختلافات و بحران های هیئت حاکمه در آرژانتین هم کم نیستند. ده لا رو معاونی داشت به نام کارلو الوارز (Carlo Alvarez). او رهبر یکی از دو جناح ائتلافی دولت دولا رو هم بود. الوارز در اکتبر ۲۰۰۰ و ادار به استعفا شد، زیرا از رشوه های پرده برداشت که به مجلس سنا آرژانتین داده شده بود تا قانون کار را تغییر دهد.

مجموعه عوامل اقتصادی، ارتشاء و اختلاس در دستگاه های حکومتی، رهائی آدمکشان دوران دیکتاتوری نظامی و اختلافات درون حکومتی و هم چنین مبارزات پراکنده توده های کارگر و زحمتکش آرژانتین سرانجام در ماه دسامبر ۲۰۰۱ به یک انفجار عظیم اجتماعی منجر شد. یک اعتصاب عمومی در ۱۳ دسامبر ۲۰۰۱ آغازگر این مبارزات بود. چهار روز بعد، مردم گرسنه تمام مغازه های مرکز شهر بونوس آیرس را خالی کردند. در بعد از ظهر همان روز هزاران نفر قابلمه ها را بهم کوبیدند و تعداد جمعیت به حدی بود که به "کیلومترها" می رسید. در این روز، چندین نیروی پلیس خلع سلاح شدند و

در چندین کیلومتر مربع همه بانک ها و هم چنین سمبل های سرمایه داری مانند رستوران مک دونالد نابود شدند، در همین روز، نخستین کشته دورنوبین مبارزات توده ای در آرژانتین در روی پله های پارلمان، این نماد دموکراسی بورژوازی به خون غلطید. صدها هزار نفر در روزهای ۱۹ و ۲۰ دسامبر به میدان مه آمدند. نیروهای سرکوبگر با گاز اشک آور و گلوله پاسخ این جمعیت را دادند. تا روز ۲۵ دسامبر تعداد جان باختگان به سی نفر می رسید و ۲۵۰۰ نفر هم روانه زندان ها شدند. ده لا رو، این "چپ میانه رو" حکومت نظامی اعلام کرد، اما در حالی که قرار بود تا مارس ۲۰۰۳ رئیس جمهور باشد از این سمت کناره رفت.

ده لا رو وقتی پا به کاخ ریاست جمهوری گذاشت قول داده بود که باتوجه به "راه سوم" که تونی بلر، نخست وزیر انگلستان، آن را مطرح کرده، عمل کند. روز ۲۳ دسامبر آدولفو رودریگز ساآ (Adolfo Rodriges saa) جای او را گرفت، اما در ادامه جنبش پر شکوه توده ای کار و زحمت، بیش از یک هفته دوام نیاورد و ادار به استعفا شد. بورژوازی آرژانتین که حسابی مستاصل و درمانده شده است، ژست های ظاهرا دموکرات منشا نه خود را نیز فراموش کرد و در روز ۲ ژانویه ۲۰۰۲ و بدون مراجعه به مردم، رئیس جمهور دیگری با رای ۹۰٪ از نمایندگان پارلمان یعنی ۲۶۲ نفر، منصوب شد. این رئیس جمهور شخصی است به نام ادواردو دو هالده (Eduardo Duhalde) که پرونیست است. مردم در ادامه مبارزات خود با این شعار از دو هالده استقبال کرده اند: "دو هالده؟ باز هم چیزی تغییر نکرده" اما چرا مردم آرژانتین دو هالده را نمی پذیرند؟ زیرا دو هالده یکی از شخصیت های قدیمی هیئت حاکمه و حزب پرونیست عدالتخواه است. او معاون "منم" و فرماندار ایالت بونوس آیرس بوده است. او در زمانی در راس تشکیلات دولتی مهم ترین ایالت آرژانتین بوده است که پلیس به بهانه مبارزه با فحشاء و مواد مخدر دست به قتل های فراوانی زد. ماموران پلیس ایالتی که توسط دیکتاتوری نظامی آموزش یافته بودند نوعی از دولت در دولت را تشکیل داده بودند و اشخاص را به جرم فحشاء یا فروش و مصرف مواد مخدر می کشتند. مردم آرژانتین به این دوران، لفظ "قتل آسان" را اطلاق کرده اند. دو هالده مانند دوستان خود، یعنی "منم" و کاوایو در خدمت دستگاهی بوده است که انگل وار و از قبل خصوصی سازی ها، مبالغ هنگفتی به جیب تعداد اندکی سرازیر کرده است. وقتی پارلمان، دو هالده را به ریاست جمهوری منصوب کرد او نطقی ایراد کرد که بانگهای به آن می توان گفت که از او هم کاری ساخته نیست. او در آغاز نطق خود گفت: "آرژانتین ورشکسته است" آرژانتین نابود شده است. . . ما دیگر یک پزو هم برای پرداخت دستمزد ها، بازنشستگی ها و پاداش ها نداریم. اما او لحظاتی بعد قول داد که یک میلیون شغل ایجاد خواهد کرد، بدون این که ذره ای

خلاصه ای از اطلاعیه ها و بیانیه های سازمان

در تاریخ ۲/۱۲/۱۳۸۰، سازمان در اطلاعیه ای تحت عنوان «اعتصاب ۳ هزار کارگر نساجی های کاشان» از اعتصاب کارگران و مطالبات آنها حمایت نمود. در این اطلاعیه گفته شده است که سه هزار تن از کارگران نساجی های ۱، ۲ و ۳ شهرستان کاشان از اوایل هفته جاری در اعتراض به عدم تحقق مطالبات خود دست به اعتصاب زدند و در خیابانهای شهر راهپیمایی و تظاهرات کردند. حقوق و مزایای کارگران نساجی های کاشان از مهرماه سال جاری پرداخت نشده است. اطلاعیه می افزاید که فرماندار کاشان پس از شرکت در ستاد بحران دولت در جمع کارگران حضور یافت و وعده داد که فوراً دو ماه حقوق، ۵۰ درصد عیدی کارگران به همراه بن های مواد غذایی پرداخت خواهد شد و بقیه مطالبات کارگران به زودی تحقق خواهد یافت. اطلاعیه در پایان نتیجه می گیرد که اعتصاب بزرگ کارگران کاشان این حقیقت را نشان داد که کارگران با اتحاد و مبارزه خود قادرند سرمایه داران و دولت پاسدار منافع آنها را زیر فشار قرار دهند و به تسلیم وادارند.

از صفحه ۴

لایحه بودجه تصویب شد . . .

صوف بیکاران بپیوندند و بالنتیجه مبارزه و اعتراض مردم به اوج خود برسد. بدون دلیل نیست که مجلس ارتجاع از هم اکنون دست دولت را در برداشت نه مانده صندوق ذخیره ارزی شان، بازگذاشته است تا چنانچه بحران و نارضایتی وسعت بگیرد، این چند میلیارد دلار را برای کنترل بحران و نارضایتی مردم به خدمت بگیرد.

در حال روشن است که اجرای سیاست اقتصادی انحصارات بین المللی و موسسات مالی آنها نظیر صندوق بین المللی پول و بانک جهانی، از جمله خصوصی سازیهای گسترده، سیستم تک نرخی ارز، بیکارسازی های وسیع، حذف سوبسیدها و رها کردن افسار قیمت ها، محروم کردن روزافزون کارگران از حق و حقوق شان، نارضایتی توده های مردم ایران را به اوج خود خواهد رساند. بودجه سال ۱۳۸۱ که بیش از هر زمان دیگر، ابزار پیشبرد این سیاست - هاست، فشار مضاعفی را به مردم ایران تحمیل خواهد نمود. نرخ تورم در سال آینده به نحو بی سابقه ای افزایش خواهد یافت. سطح معیشت توده های کارگر و تهیدست بازم تنزل خواهد نمود. گروه دیگری از کارگران شاغل در نتیجه خصوصی سازی ها، کار خود را از دست خواهند داد و صدها هزار نیروی کار جدیدی که به بازار کار سرازیر می شوند، کاری نخواهند یافت. طبیعی است که در چنین شرایطی مبارزات توده های کارگر گسترده تر و وسیع تر خواهد شد. اگر در این میان درآمدهای پیش بینی شده دولت از نفت، به علت بحران اقتصادی جهانی تحقق پیدا نکند، رژیم باچنان بحرانی روبرو خواهد شد که بی سابقه خواهد بود. در چنین اوضاعی شرایط بیش از پیش برای سرنگونی رژیم فراهم خواهد شد. مجلس ارتجاع لایحه بودجه خاتمی را تصویب کرد، اما هر دو جناح نگران آینده و اجرای آن هستند.

است. دو هالده حتی فاقد مشروعیت کاذبی است که از انتخابات عمومی می آید، زیرا او را پارلمان منصوب کرده است. همان پارلمانی که یکی از سالن های کهنام "سالن آبی" را دارد، توسط مردم به آتش کشیده شد. حزب آزادی آرژانتین در اطلاعیه ای که اخیراً منتشر نموده است همه کارگران، نیرو - های چپ رادیکال و جنبش های توده ای را به مبارزه ای مشترک فراخوانده تا حکومتی از نوع نوین در آرژانتین به قدرت برسد. این حزب مخالفت خود را با حکومت نظامی اعلام کرده است و خواهان لغو بدهی خارجی آرژانتین، رهائی از چنگال صندوق بین المللی پول، افزایش مالیات ثروتمندان، افزایش دستمزدها و بازنشستگی ها و ملی کردن تمامی بانک ها شده است.

روشن است که تنها پیروزی کارگران و توده - های زحمتکش آرژانتین می تواند به بحران عمیق اقتصادی و سیاسی سرمایه داری در کشوری پایان دهد که روزی به کشور صادر کننده گوشت و غلات شهره بود و اکنون مردم نان هم در سفره برای خوردن ندارند. سرمایه داری به نهایت پوسیدگی خود رسیده است و لااقل در آرژانتین دیگر جابجائی قدرت در درون ارودی سرمایه داران کارساز نیست. (پایان)

از صفحه ۲

اخباری از ایران

* نامه اعتراضی

فعالیت تولیدی در شرکت صنایع کوه فرماندند دهها واحد تولیدی دیگر در استان اصفهان، چندین ماه است که به حالت رکود افتاده و ۱۶۰ کارگر آن در حالت بلاتکلیفی بسر می برند. علی رغم مکاتبات و مراجعات مکرر کارگران در ظرف یک سال، هیچگونه اقدامی جهت حل این مشکلات صورت نگرفته است. کارگران در یک نامه اعتراضی خطاب به وزیر صنایع، بار دیگر نسبت به این مسئله اعتراض کرده و خواستار پرداخت حقوق و مزایای عقب افتاده و پایان بلاتکلیفی شدند.

* چند خبر کوتاه

- جمعی از کارکنان شرکت مخابرات در تهران، روز هفتم اسفند در برابر مجلس تجمع کردند و بدین وسیله نسبت به بازخرید های اجباری اعتراض کردند.

- دو تن از معلمانی که در جریان حمله نیروهای انتظامی در برابر دفتر ریاست جمهوری اسلامی زخمی شده بودند، بر اثر شدت جراحات، در بیمارستان جان خود را از دست دادند. کانون زندانیان سیاسی ایران در تبعید، ضمن انتشار این خبر، نام این معلمان را اخترا قاسم زاده معین ۳۷ ساله و محمد ابراهیم احمدی نیا ۴۶ ساله اعلام کرد.

نظام اقتصادی و سیاست های تا کنونی را مورد نقد قرار دهد یا برنامه جدیدی را اعلام کند. بی جهت نیست که اکنون مردم در تظاهرات و اعتصابات خود این شعار را سر می دهند که "بدون پرونیست ها، بدون رادیکال ها، ما بهتر زندگی خواهیم کرد". مردم دیگر به هیچ کدام از جناح های بورژوازی اعتماد ندارند و در حالی که طبق قوانین آرژانتین شرکت در انتخابات اجباری است، این کشوریکی از رگورداران تحریم انتخابات گوناگون است. در حالی که مبارزات مردم در آرژانتین هر روز وارد مرحله نوینی می شود، دخالت امپریالیست ها و به ویژه آمریکا هم بیشتر شده است. جورج بوش در ۱۷ ژانویه ۲۰۰۲ گفت: " هر وقت که آرژانتین یک برنامه اقتصادی معتبر و دراز مدت ارائه دهد، ما نیز به این کشور از طریق ارگان های مالی بین المللی یاری خواهیم داد." بی شک منظور از این ارگانها همان صندوق بین المللی پول و بانک جهانی است که آمریکا با در اختیار داشتن ۱۷٪ بزرگ ترین سهام دار آنهاست. دخالت آمریکا را می توان از نظر مانورهای نظامی نیز در نظر گرفت. در ماه سپتامبر گذشته، نیروهای نظامی آمریکائی در ایالت سالتای آرژانتین دست به یک رشته مانور نظامی مشترک با ارتش آرژانتین و دیگر ارتش های آمریکائی لاتین زدند که کابانیاس نام داشت. در این مانور ها ارتش آمریکا دست به آموزش های در زمینه مقابله با شورشها و اعتراضات اجتماعی زد و در ضمن نیروهای را برای مقابله با FARC (نیرو - های مسلح انقلابی کلمبیا) که از سوی آمریکا "تروریست" نام گرفته اند، تربیت کرد. نباید فراموش کرد که آرژانتین به همراه برزیل و مکزیکو سه کشور مهم آمریکائی لاتین را تشکیل می دهند و هر تحول انقلابی در این سه کشور نه فقط می تواند برای انقلابیون آمریکائی لاتین بلکه برای بقیه جهان هم پراهمیت باشد.

اکنون در آرژانتین یک رئیس جمهور سوم در طول یک ماه به روی کار آمده است. سرخیو اورتیس (Sergio Ortiz) که دبیر کل حزب آزادی آرژانتین است در این مورد می گوید: "اگر دو هالده در ماههای آینده سقوط کند، سه احتمال وجود دارد. نخست این که بورژوازی داخلی یک دولت دیگر تشکیل دهد که دست به سرکوب بیشتری بزند. راه دوم یک کودتای نظامی فاشیست خواهد بود که با حمایت کارفرمایان و رهبران احزاب بورژوائی احتمال وقوع دارد و سومین گزینه هم آغاز یک دوران طولانی مبارزه انقلابی تا پیروزی انقلاب دمکراتیک در آرژانتین خواهد بود. "دبیر کل این حزب مارکسیست - لنینیست آرژانتین می گوید: " ما خوش بین هستیم. به نظر ما جنبش نوین توده ای در آرژانتین یک موقعیت انقلابی پدید آورده است. به زیر کشیدن دو هالده و "دولت آنتی ملی" او آسان نخواهد بود اما امکان پذیر

در نیمه دوم سال ۸۱ نیز ادامه خواهد یافت. براساس همان گزارش خبرنگار ایران درشش ماهه دوم سال ۸۱ نیز، سهام ۹۹ شرکت دولتی به بخش خصوصی واگذار خواهد شد. که جامکو، قند دزفول، مبلیران و نخکار از جمله این شرکت ها می باشند.

باید در نظر داشت که تمامی این اقدامات دولت سرمایه داران که تحت عنوان و بهانه ایجاد اشتغال، کاهش بیکاری، رفع معضلات اقتصادی و امثال آن اجرا می شود مورد توافق تمامی سران و نهادهای حکومتی است. اگر در گذشته های نه چندان دور، فقط جریان دست ساز رفسنجانی یعنی کارگزاران سازندگی از مدافعین پیگیر سیاست های نئولیبرالیستی بانک جهانی و صندوق بین المللی پول به حساب می آمد، امروز تمام جناح های حکومتی به طرف داران پرو پا قرص این سیاستها تبدیل شده و امیال طبقه خویش را بی پرده بیان می دارند. اما چه کسی است که نداند اجرای این سیاست ها تا آنجا که در ایران به مرحله اجرا در آمده است نه فقط میزان بیکاری راکاهش نداده و نه فقط ایجاد اشتغال ننموده است، بلکه برعکس بیکار سازیهای بسیار وسیعی را نیز در پی داشته است. در اثر اجرای این سیاستها دهها هزار کارگر اخراج و ضمانت شغلی صدها هزار کارگر دیگر به خطر افتاده است. هیچ کارگری مزخرفات دولت را در این زمینه باور نخواهد کرد. از سوی دیگر مگر نه اینست که تورم و گرانی دائما افزایش یافته است؟ مگر نه اینست که قدرت خرید و سطح معیشت کارگری به طرز فاجعه باری تنزل یافته است و نه فقط هیچیک از معضلات اقتصادی کارگران و سایر اقشار زحمتکش و مزدگیر حل نشده است، بلکه روز به روز بر این معضلات و مشکلات افزوده شده است؟ از حدود ۳۰ سال پیش که نئولیبرالیسم در کشورهای سرمایه داری در دستور کار قرار گرفت و به دنبال آن اصول بانک جهانی و صندوق بین المللی پول در پاره ای از کشورها به اجرا گذاشته شد، اجرای این اصول و سیاستها، همه جابا باز پس گیری دست آورد های طبقه کارگر، کاهش هزینه های اجتماعی، زدن از حق و حقوق و مزایای کارگران، افزایش بیکاری، بی ثباتی شغلی و تشدید فشارهای اقتصادی و تشدید استثمار طبقه کارگر همراه بوده است. در ایران نیز جز این نبوده و نخواهد بود. "توسعه اقتصادی" نیز در دستگاه فکری حکومت گران، البته چیز دیگری جز تامین حد اکثر منافع سرمایه داران نیست. در فرهنگ طبقه حاکم، واگذاری ثروت های اجتماعی و دسترنج کارگران به آفازاده ها، مفتخورها و همپالگی های خارجی آنها به ثمن بخش، و حمایت همه جانبه از سرمایه داران در تشدید استثمار و فشار بر کارگران، به معنی "توسعه اقتصادی" و راه حل معضلات اقتصادی است.

این، اما هر چه هست، راه حل طبقه بورژوازی

((یادها))

می کند. ابتدا ترانه سرود وحدت را می خواند. با چه شور و حرارتی، همه وجودش می نوازد و همه وجودش می خواند و تمام جان و تنش در حرکت و پرواز و من با آنچه از دو سال پیش در ذهنم مانده آرام با او زمزمه می کنم و آنگاه ترانه سرودی دیگر به یادمان سعید اجراء می کند. چرا که خود از یاران سعید در کارگاه هنری بود. برای ایجاد و اجراء مجموعه نوارهای بهمین او و ۳.

اینک دیگر در ترکمن صحرا نیستیم که سعید همانند آتشفشانی گرگرفته فریاد برآورد و خشم توفنده توده ها از دهانش شعله ور شود و سفیر کشان فریاد برآورد "ستاره سرخ ترکمنی توماج... توماج... توماج. اینک تمام فضای سالن از یاد و عطر یاس سعید لبریز است آنگاه که مصطفی می خواند، نه تنها مصطفی که سازش نیز می خواند: گل سرخ شهیدستان خلقی / رفیق انتقامستان خلقی / گل رزم نبردستان خلقی / ای سعید ای ماندگار / خشم سرخ روزگار.

یاد سعید، یاد نیمه شب ۳۱ خرداد ۶۰، یاد پریپر شدن زیباترین گل سرخ انقلاب مرا به تظاهرات سوم تیر در سومین روز اعدام سعید می برد که با مشت های گره کرده و گلوهای خون فشان فریاد می زدیم:

فدائی خلق ما، سلطانپور قهرمان، به دست این جلادان، اعدام شد، اعدام شد. با یاد دردمندان سعید، دیگر تنها بغض نبود که گلویم را می فشرد، بلکه "سرتاسر وجود مرا - گونی چیزی به هم فشرد - تاقطره ای به تفنگی خورشید - جوشید از دو چشمم.

۵- مراسم با نیم ساعت استراحت برای شام و آنگاه خواندن بیانیه سازمان فدائیان (اقلیت) - واحد سوند و سخنرانی (م- آرم) ادامه پیدا می کند که بخشی از سخنرانی م. آرم یادواره ای بود از خاطره اولین یادمان و گرامی داشت ۱۹ بهمین ۵۷ و سپس اجراء قسمت سوم ترانه سرودها و سرانجام اعلام پایان برنامه در ساعت ۱ شب. و من به بیست و سه سال کشتار می اندیشم. به شقاوتی که رفت بر ما و ملت ما و نظاره گر به آینده ای توامان با امید و بیم. و بایادآوری رنج عظیمی که رفته بر مردم کشور ما و در یادمان خونین فرزندان برومند و استوار میهنم من درد در رگانم، حسرت در استخوانم، چیزی نظیر آتش در جانم، پیچید.

پیوند دادن آن با توده ها. بیشتر هر چه بود، کاربردش در محدوده پیشگامان جنبش بود و اینک با همت والای رفیق جان باخته سعید سلطانپور و کارگاه هنر، همگام و همزمان با گسترش سازمان در میان توده ها، موسیقی و مجموعه سرودهای انقلابی نیز به پاسخ گویی ضرورت زمانه برخاسته بود و با درک درست ضرورتها خود رادر روح و جان مردم زحمتکش میهنمان جای می داد. اجرای ترانه سرود چهار اسب ترکن و یاد توماج مرا به ترکمن صحرا برد. در نخستین روزهای بعد از انشعاب با گروهی از معلمین و دانش آموزان برای دیدن سرزمین شوراها به ترکمن صحرا رفتیم. غروب یکی از روزهای سفر، در میدان شهر، پلیمیک سیاسی ای بود بر سر ماهیت طبقاتی حاکمیت، با جمع کثیری که در سکوتی محض به شنیدن نقطه نظرات دو دیدگاه اقلیت و اکثریت بردور بحث کنندگان حلقه زده بودند. نگاهم به پیر مردی افتاد که با گوش جان به گوش نشسته بود.

بدون شلوار و تنها یک زیر شلوازی (پیرامه) برتن داشت که کمی از زانوانش پانین تر بود و به روشنی وضعیت و جایگاه طبقاتی او را به نمایش می گذاشت. از میان انبوه جمعیت فقط همان پیرمرد در ذهنم نقش بست و ساعتی بعد وقتی وارد اغذیه فروشی شدیم تا چیزی بخوریم پیرمرد را دیدم با ساندویچی پیچیده در دست که مشغول خوردن بود. پرسیدم توماج را می شناسی؟ یا بعضی مانده در گلو و اشکی حلقه زده در چشمانش فقط فرصت یافت بگوید "کی هست که توماج را شناسد" بر اثر بغض و فشرده گی گلو، لقمه در گلویش گیر کرد و تا مرز خفگی پیش رفت و ما ضربه زنان بر پشتش توانستیم کمی آرامش کنیم و من ماندم و نگاه شامتت گرانه دیگر رفقا، که این چه پرسشی بود که کردی؟ و حالا پس از گذشت ۲۱ سال مصطفی می نواخت و رویا می خواند: چهار اسب ترکمن، مخدوم، واحدی، جرجانی، توماج... توماج... توماج. و من م بغض تمامی انسانهای درد مند را یکجا در گلویم احساس می کردم.

۴- مراسم با شعر خوانی و خواندن بیانیه های گرامی داشت ادامه پیدا می کند و آنگاه قسمت دوم اجراء ترانه سرودهای انقلابی توسط گروه موسیقی شروع می شود. این بار مصطفی خود می نوازد و می خواند و وحید باتنیک همراهیش

به مناسبت سالگرد حماسه سیاهکل، پیام های تریکی برای سازمان ارسال شده است.

بدین وسیله از همه رفقا و دوستان ارسال کننده پیام، تشکر می کنیم.

نظم موجود و دگرگونی های بنیادی است. این راه حل که طبقه کارگر پرچم دار آن است، بکلی نقطه مقابل راه حل های بورژوازی و یک راه حل پرولتری است که نخستین گام آن، به زیر کشیدن رژیم جمهوری اسلامی است.

است. راه بورژوازی برای حل معضلات اقتصادی، اما جز تشدید و تعمیق این معضلات نبوده است و نیست. حال آنکه حل معضلات اقتصادی موجود، یک راه حل رادیکال و انقلابی را طلب می کند. راه حلی که متضمن فراتر رفتن از چارچوب های

در یکصد و نوزدهمین سالگرد درگذشت مارکسی خاطره این آموزگار و رهبر کبیر پرولتاریا را گرامی می‌داریم!

((یادها))

۱- ساعت هفت صبح روز ۲۶ بهمن در سومین ردیف صندلی اتوبوس کنار شیشه نشسته ام. آرام و ساکت توامان نظاره‌گر برسکوت و خلوت جاده‌ها به مراسم بزرگداشت سی و یکمین سالگرد سازمان چریکهای فدائی خلق ایران می‌اندیشم که قرار است ساعت ۶/۳۰ بعد از ظهر در استکهلم با یادمان و گرامی داشت جانباختگان فدائی و تولد جنبش فدائی در ۱۹ بهمن ۴۹ برگزار گردد. نام (م- آرم) به عنوان سخنران مراسم، مرا به خاطره اولین مراسم گرامی‌داشت سازمان در ۱۹ بهمن ۵۷ دردانشگاه گیلان پیوند می‌دهد. در آن فضای شور و عشق و انقلاب درواپسین روزهای مانده به قیام شکوهمند ۲۲ بهمن در زیربارش نمم باران با مشت‌های گره کرده به یادمان رفقای فدائی گرد آمده بودیم از سراسرایران. اولین مراسم بزرگداشت در سیاهکل، صبح برگزار گردید و عصر همان روز در فضائی گسترده در دانشگاه گیلان. اولین سخنران (م- آرم) بود و سخنران بعدی (ن- ز). هنوز صدای (ن- ز) در گوشم طنین انداز است که سخنانش را این گونه به پایان رساند:

"در پایان ضمن گرامی‌داشت یاد و خاطره رفقای شهیدمان، یک باردیگر با رفقایمان پیمان می‌بندیم که ادامه دهندگان راهشان باشیم و تا رسیدن به سوسیالیسم لحظه‌ای از پای ننشینیم." هنوز واژه سوسیالیسم تماما از دهان (ن- ز) بیرون نیامده بود که دست زندهای متمد جمع کثیر حاضر، فضا را ملتهب کرد و اشک شوق از شور و حرکت و توفندگی انقلاب و نیز در حسرت فقدان رفقای جانباخته، برگونه‌های بیشماری لغزیدن گرفت و اینک من با یاد نخستین یادواره ۱۹ بهمن راهی رسیدن به بزرگداشت مراسم دیگری هستم با سخنرانی (م- آرم).

۲- ساعت ۱۰/۳۰ در استکهلم پس از پیاده شدن از اتوبوس با رفقا تماس می‌گیرم. با رفیقی که به دنبالم می‌آید راهی خانه ای می‌شویم که رفیق مصطفی با تار و سه تارش مشغول تمرین جهت اجرای ترانه سرود های انقلابی در مراسم بزرگداشت سی و یکمین سالگرد سیاهکل در استکهلم می‌باشد. مصطفی

را نمی‌شناسم اما می‌دانم که برای اجرای مراسم آمده است. از راهروی کوچک خانه گذشته وارد سالن خانه می‌شوم. مصطفی را می‌بینم ایستاده و منتظر دست دادن با من است. به طرفش حرکت می‌کنم؛ دریک قدمی او وضعیتی غیرعادی مرا بر جایم می‌خکوب می‌کند؛ اما سریعاً بخود می‌آیم و دستانش را می‌فشارم و همدیگر را می‌بوسیم. او ازسال ۶۰ بینائی اش را از دست داده است. مصطفی شروع به نواختن می‌کند. صدای تارش مرا به دو سال پیش می‌برد. زمانی که هنوز در ترکیه بودم و موفق شدم با گوش دادن به نوارهای مراسم بزرگداشت یادمان سیاهکل در آلمان یاد رفقای جان باخته‌فدائی را گرامی‌بدارم. از مصطفی می‌پرسم در مراسم آلمان ترانه سرودی اجرا کردید به نام وحدت که زیبا-ترین قسمت‌اجراء موسیقی در برنامه آلمان بود. او ضمن تائید، آرام شروع به نواختن و اجراء همان ترانه سرود می‌کند. از شادمانی بغضم می‌گیرم. به یاد روزهای سخت ترکیه می‌افتم که بارها و بارها گوش دادن به کار زیبا و هنرمندانه اجرای ترانه سرود وحدت؛ شادمانی بر روح و جانم ریشه دوانده بود و حالامصطفی پیش رویم بود با اجراء زنده کار هنرمندانه خود. بی اختیار بلند می‌شوم و به پاس شادمانی ای که دو سال پیش مصطفی بر جانم نشانده بود گونه‌هایش را می‌بوسم.

۳- مراسم با اندکی تاخیر پس از معرفی و اعلام برنامه بابرخاستن جمع حاضر در سالن و یک دقیقه کف زدن به پاس قهرمانی های رفقای جان باخته آغاز می‌گردد و آنگاه با اجراء اولین قسمت ترانه‌سرودهای انقلابی توسط گروه سه نفره با هنرمندی مصطفی ادامه می‌یابد. سه ترانه سرود از مجموعه نوارهای بهمن- ۲ بهمن- که یادمان ترکن صحراست اجراء می‌گردد. یادآوری ترانه سرودهای بهمن ۲- ترکمن صحرا- ذهنم را به بهمن ماه ۵۹ و کار بزرگ و ستودنی سازمان در ادامه مجموعه نوارهای بهمن می‌کشاند؛ که رنسانسی بود در ارائه موسیقی انقلابی و

در صفحه ۷

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)،
نامه های خود را در دو نسخه جدا گانه
برای دوستان و آشنایان خود در خارج از
کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان
را به یکی از آدرسهای زیر پست کنند.

آلمان
K. A. R
Postfach 160531
60068 Frankfurt
Germany

اتریش
Kar
Postfach 260
1071, Wien
Austria

دانمارک
I. S. F
P. B. 398
1500 Copenhagen V
Denmark

سوئد
M. A. M
Postbox 6416
75139 Uppsala
Sweden

سوئیس
Sepehry
Postlagernd
3052 Zollikofen
Switzerland

فرانسه
A. A. A
MBE 265
23, Rue Lecourbe
75015 Paris
France

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی
زیر واریز و رسید آرا به همراه کد مورد نظر به
یکی از آدرس های سازمان ارسال نمایید

I.W.A
6932641 Postbank
Holland

شماره فکس
سازمان فدائیان (اقلیت)
۵۹۷۹۱۳۵۷ - ۶۹ - ۴۹

پست الکترونیک E-Mail:

info@fedaiian-minority.org

نشانی سازمان بر روی اینترنت:

http://www.fedaiian-minority.org

KAR

Organization Of Fedaian (Minority)

No.376 mart 2002